

## !سالم محبوب خدا

یکشنبه گذشته ما به شعار سال نگاه کردیم: اول قرتیان 14:16 - بگذارید همه چیز با عشق انجام شود

عشق عنصر اصلی پیام کتاب مقدس است

عشق عنصر اصلی پیام کتاب مقدس است. خدا خودش محبت است و این عشق انگیزه همه اعمال اوست، عشق هم او را به خلق این دنیا و به خصوص ما انسانها سوق داد. خدا همتای می خواست که در یک رابطه عاشقانه با او در یک موقعیت برابر زندگی کند. به همین دلیل است که او انسان را در تصویر خود به این معنا آفرید - «قابل عشق»، شبیه به خدا

پیدایش 1:26-27 - و خدا گفت: بیایید انسان را به صورت خود و به شباهت خود بسازیم. . . . و خدا انسان را به صورت خود آفرید، به صورت خدا او را آفرید. آنها را نر و ماده آفرید. - این شباهت در مورد توانایی محبت نیز صدق می کند، زیرا خداوند عشق است. در غیر این صورت، دستورات و پندهای بعدی در کتاب مقدس در مورد عشق موجه نخواهد بود

ما چنین ارتباطی برای عشق با فرشتگان نمی بینیم. ما نمی خوانیم که آنها دارای "طرفیت عشق" بودند. و ما هیچ دستوری برای محبت نمی شناسیم - نه نسبت به خدا، نه نسبت به یکدیگر و نه نسبت به ما انسان ها. به نظر می رسد آنها متفاوت ساخته شده اند

اما وقتی صحبت از مردم می شود، همه اینها را خیلی خوب می خوانیم، چندین بار! فرمان "خدا را با تمام قلب خود دوست بدارید" به انسان ها داده شده است نه به فرشتگان. کتاب مقدس "عشق" را بزرگترین فرمان می نامد: لوقا 10:27 - "اما عیسی پاسخ داد و گفت: "خداوند، خدای خود را با تمام دل و با تمام جان و با تمام قوت و با همه دوست بدارید. قوت تو تمام عقلت و همسایه تو مانند خودت

سپس عیسی بعداً می گوید که محبت کردن به یکدیگر تنها فرمانی است که به قوم خود می دهد: یوحنا 13:34 - «به شما حکم جدیدی می دهم که یکدیگر را دوست بدارید تا همانطور که من شما را دوست داشتم، شما نیز محبت کنید. یکدیگر را دوست دارند.» این فرمان معروف و در عین به معنای "کیفی جدید" (kainos: به یونانی) "حال جدید است. چرا جدید؟ کلمه "جدید یا جدید است. بنابراین یک فرمان عشقی با کیفیتی جدید. ویژگی جدیدی که عیسی در اینجا در مورد آن صحبت می کند چیست؟ او این را در اینجا می گوید: «که همدیگر را دوست بداریم، همانطور که او ما را دوست داشت.» او چگونه این کار را کرد؟ چه چیزی گونه او را از انسان به طور کلی متمایز می کند؟

عیسی کیفیت محبت به ما را از محبت پدرش به او گرفت: یوحنا 15:9 - «همانطور که پدر مرا دوست داشت، من نیز شما را دوست داشتم. در عشق من بمان

اکنون باید محبت خود را به یکدیگر از عشق او به خود جلب کنیم: «در عشق من بمان!» پس اگر با آگاهی زندگی کنیم که عیسی دائماً ما را دوست دارد، در آن بمانیم و بگذاریم او همچنان به ما محبت کند، این منبع عشق ما به یکدیگر است. راه دیگری وجود ندارد. در نهایت، ما با محبت او عشق می ورزیم و نه با نیروی انسانی خودمان. این ویژگی جدید است: ما با عشق و محبت خدا دوست داریم

اما بیایید به ایده اصلی داستان خلقت برگردیم. ما به شکل او ساخته شدیم، تصویر عشق. ما به عنوان انسان، اساساً این توانایی عشق ورزیدن را از زمان خلقت از خدا دریافت کردیم. در ما ساخته شده است

خداوند مقرر کرده است که انسان به عنوان مخلوق خود در حضور او زندگی کند. به همین دلیل در عدن باغی کاشت و انسان را در آنجا قرار داد و در آنجا مرتباً با انسان ملاقات می کرد. با او زندگی می کرد، با او صحبت می کرد و از بودن با او لذت می برد. همیشه باید اینطور باشد

این مشارکتی که خدا با انسان داشت، تضمین کرد که انسان هر روز در عشق خدا زندگی کند و از آن عشق زندگی کند. بنابراین او دائماً در محاصره عشق بود. بله، می توان گفت که او از این عشق هر آنچه را که برای انسان درونی و بیرونی خود نیاز داشت، بیرون کشید.

امروز هم همینطور است، وقتی در حضور خدا زندگی می کنیم و آنجا می مانیم - وقتی برای ملاقات روح با خدا وقت می گذاریم و اجازه می دهیم حضور او روی ما اثر بگذارد، آنگاه به عشقی تبدیل می شویم که در آنجا تجربه می کنیم، همه چیز را ترسیم می کنیم. نیاز به زندگی ما ما قدرت به دست خواهیم آورد، بازسازی خواهیم کرد - در داخل و خارج، ما شفای ذهن، روح و بدن را تجربه خواهیم کرد. حالمان خوب خواهد شد! با آن می خواهیم شعار سالانه سال 2014 را به "ما یادآوری کنیم: مزمور 73،28 - "نزدیک بودن به خدا خوشبختی من است

سرنوشت ما انسانها این است که از عشق خدا و از طریق آن زندگی کنیم.

اما می دانیم که یک تصمیم مهم انسانی این اجتماع حیاتی با خدا را در همه سطوح قطع کرد. نظر بی نیازی به خدا و گسستن از این رابطه باعث شد که انسان به واسطه گناه از خدا جدا شود. وقتی صحبت از عشق به میان آمد، انسان اکنون تنها بود. توانایی اولیه هنوز از جانب خدا داده شده است، اما دیگر عرضه ای وجود نداشت و انسان مجبور بود با یک نیروی مخالف درونی مبارزه کند - گناه خود.

چگونه می توانم خدا را دوست داشته باشم اگر خارج از عشق او زندگی کنم؟ این در واقع غیرممکن است. تنها زمانی می توانم خدا را دوست داشته باشم که عشق او را تجربه کرده باشم و خداوند آن را به من نشان داده و آشکار کرده باشد. من به تأثیر عشق او نیاز دارم تا بتوانم خودم را دوست داشته باشم، هم او و هم خودم و هم دیگران را. من فقط می توانم فرمان او را از خود او و از طریق او انجام دهم. ما به تنهایی نمی توانیم این کار را انجام دهیم و نمی توانیم دعوت او به عشق را برای همیشه برآورده کنیم.

این تنها در صورتی امکان پذیر است که در عشق او زندگی کنم و دائماً از عشق او تغذیه شوم. این که به خودت اجازه بدهی که مورد محبت خدا قرار بگیری و مورد محبت قرار بگیری، پیش نیاز دوست داشتن خود است. همانطور که فراخوان امسال مهم است: "بگذارید همه چیز با عشق انجام شود!"، این فقط از طریق تجربه شخصی عشق خدا امکان پذیر است.

باید آن را مانند یک اسفنج خشک خیس کنید تا کاملاً توسط آن نفوذ کنید. و وقتی خیس می شوی، می توانی این عشق را منتقل کنی و آن وقت دیگر سخت نیست، زیرا با خودش خیس شده ای و او سپس از تو می چکد. همچنین ممکن است مدتی طول بکشد تا چنین اسفنج خشک استخوانی واقعاً اشباع شود. پس اگر فوراً چیزی را احساس نکردید تسلیم نشوید. بارها و بارها و برای همیشه خود را در معرض محبت خدا قرار دهید. به آن زمان بدهید تا بتواند شما را به طور کامل درک کند و برآورده کند.

وقتی خدا را ملاقات کردیم و تسلیم عشق او شدیم، تسلیم آن شویم و به او بله بگوییم، با پذیرفتن عیسی و قربانی او، بخشش او برای ما، به شراکت با او بازگردیم - آنگاه ما دوباره متولد می شویم. - این انجیل است

هنگامی که این اتفاق می افتد، ما روح القدس را به عنوان یک هدیه ابدی دریافت می کنیم - و با او چیزی وارد زندگی ما می شود که کاملاً آن را تجدید و غنی می کند - عشق به خدا. ما از این قدرت خارق العاده پر شده ایم و از طریق روح القدس به قلب ما می ریزد. - رومیان 5: 5 - "زیرا محبت خدا به واسطه روح القدس که به ما عطا شده است در دلها ما ریخته شده است

در آنجا، در قلب ما، شروع به زندگی و پیش می کند، و تبدیل به یک تجربه درونی ماندگار می شود که بر بخش های بیشتری از زندگی ما تأثیر می گذارد. و از آنجا به بیرون نفوذ کرده و به جهان خواهد ریخت.

این ما را قادر می‌سازد که سریع ببخشیم، صبور باشیم و فداکارانه عمل کنیم، و سپس تمام ویژگی‌های اول قرنتیان 13: 4-7 را که قبلاً در جای دیگر ذکر کرده‌ایم، دارد. آثار عشق زمانی متولد می‌شوند که به خود اجازه دهیم مورد محبت خداوند قرار بگیریم و پیوسته در جامعه او زندگی کنیم. و این همان کاری است که باید به طور منظم انجام دهیم.

گاهی اوقات زندگی روزمره ما را فرسوده می‌کند، از جمله چالش‌های مختلفی که با آن روبرو هستیم. و سپس ممکن است برای بازگشت به مسیر درونی، آرام شدن، کاهش افکار منفی و بخشش به مرحله بازسازی نیاز داشته باشیم. ما به زمان‌هایی نیاز داریم که به سادگی بتوانیم خود را در معرض محبت خدا قرار دهیم و بگذاریم بر بیماری و درد غلبه کند. مواقعی که ما به سادگی کاری انجام نمی‌دهیم جز اینکه از محبت و حضور او آگاه شویم. جایی که ما در مورد سخنان او و اطمینان او از عشق به ما مراقبه و جذب می‌کنیم. این کار بهتر از بسیاری از جلسات با یک درمانگر است - و هیچ هزینه‌ای ندارد.

برای انجام این کار، می‌توانید پی‌سر و صدا به اتاقی بروید و به سادگی اجازه دهید حضور خدا، که همیشه وجود دارد، روی شما تأثیر بگذارد. شما همچنین می‌توانید این کار را در جمع با سایر مسیحیان انجام دهید. تمجید می‌تواند در این مورد کمک کند. اما گاهی اوقات آرامش و سکوت مطلق جایی است که می‌توانید این کار را به بهترین شکل انجام دهید. شما می‌توانید سخنان عاشقانه خدا، وعده‌ها و وعده‌های او را به خاطر بسپارید. می‌توانید آن‌ها را به صورت درونی یا بیرونی به خودتان بگویید، درباره آن‌ها فکر کنید و مراقبه کنید. کتاب مقدس را بخوانید و جملاتی از این دست را خواهید یافت. برای مثال این:

ارمیا 31:3 - "من همیشه شما را دوست داشته‌ام، بنابراین از روی محبت شما را به سوی خود کشانده‌ام."

اول یوحنا 4:10 - "محبت در اینجاست: نه اینکه ما خدا را دوست داشتیم، بلکه او ما را دوست داشت و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما باشد."

رومیان 8:39 - "نه بلندی و نه عمق و نه هیچ موجود دیگری نمی‌تواند ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است جدا کند."

اول یوحنا 3:1 - «ببینید که پدر چه محبتی به ما داده است تا ما فرزندان خدا خوانده شویم! و ما هستیم»

رومیان 5:8 - "اما خدا محبت خود را به ما از این جهت نشان می‌دهد که در حالی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح برای ما مرد." - و آیات بسیار بیشتری وجود دارد که روح القدس می‌تواند به شما نشان دهد.

وقتی از این طریق به قدرت عشق او به شما دست می‌زنید، این قدرت در درون شما ایجاد می‌شود و شما را قادر می‌سازد که خودتان در عشق او عمل کنید و صحبت کنید. - «در محبت او بمانیم» و پیوسته از این محبت آگاه باشید

شما باید یاد بگیرید که محبت خدا را مجاز کنید و دائماً سؤال نکنید که آیا لایق عشق او هستید یا لایق عشق او هستید. - نه، تو لیاقتش را نداری. اما زیبایی آن در همین است. خدا انتخاب کرده است که شما را دوست داشته باشد - بدون هیچ شرطی. شما نیاز دارید و نمی‌توانید لیاقت این را داشته باشید. این تصمیم مطلق و مستقل اوست. او می‌خواهد که شما آن را بپذیرید و با قلبی سپاسگزار از آن شاد باشید. یکی از راه‌هایی که به خدا احترام می‌گذاریم و او را خشنود می‌کنیم این است که آنچه را که او به ما می‌دهد و به ما عرضه می‌کند، می‌پذیریم. اگر در آن زندگی کنیم مانند حرکت ماهی در آب. پس عشق او را بپذیر. عیسی به این دلیل آمد که خدا شما را دوست دارد و شما در حال بازگشت به این جامعه عشقی هستید. بگذار خداوند تو را در حضور خود سالم دوست داشته باشد.